

اول ماه مه، دولت و سندیکاها در ترکیه

نادر ساده

دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۸۸



In der Kazancı Yokusu werden Menschen von einem Lastwagen zerquetscht, der Mitten in einer engen Straße abgestellt ist.

اول ماه مه در حالی فرا می رسد که اوج گیری بحران سرمایه داری در جهان، ترکیه را نیز متأثر ساخته و با بسته شدن کارخانه ها به شمار بیکاران افزوده گردیده است... طبق برآورد های مرکز آمار ترکیه در مقایسه با سال گذشته تولید صنعتی این کشور ۲۳ درصد و تولید ماشین خودرو ۵۹ درصد کاهش داشته است. (*۱) با این وجود دولت محافظه کار- اسلامی تیب رجب اردغان بکلی منکر تاثیر پذیری ترکیه از بحران اقتصادی در جهان و

منکر بیکاری رو به تزاید در این کشور است. جنبش کارگری ترکیه اما بر بستر بحران اقتصادی موجود ناچار است خواست بیکاران و شاغلینی که سطح دستمزد آنان پایین قرارداد را مورد توجه ویژه قرار دهد و خواستهای واقعی کارگران را در اول ماه مه نیز مطرح نماید. بر بستر همین زمینه عینی نیز هست که برخی سندیکاها تلاش می کنند برای بسیج عمومی از اول ماه مه فرصتی برای بیان مطالبات کارگری فراهم نمایند. مطالباتی واقعی که بنابر ماهیت و جهت گیری سندیکاهای کارگری ترکیه احتمالاً از فرمول واحدی برخوردار نیست و...

روشن است برخی دیگر از اتحادیه ها که نزدیک به احزاب حاکم هستند اصولاً قادر به بیان مشکلات واقعی کارگران نیستند و نمی خواهند که نماینده ی اعتراض کارگران باشند...

بهر حال امسال برگزاری مراسم اول ماه مه در ترکیه بیش از سالهای گذشته اهمیت یافته است. از یکطرف نارضایتی کارگری رو به گسترش است و از طرف دیگر دولت ترکیه نیز در حال بررسی لایحه ایست برای برسمیت شناسی اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل (*۲). همین دو عامل تحرکات جدید سندیکایی در ترکیه را افزایش داده است. طبیعی ایست در شرایط پیش آمده که دولت ترکیه مشغول بررسی مسئله رسمی شدن اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل گردیده و رسماً نیز خبر آن انعکاس یافته است بین سندیکاهای کارگری ترکیه نیز برسر این خواست مشخص "اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل رسمی" اتفاق نظر جدی پدید آید...

اما این اتفاق نظر الزاماً بیان درک و مفهوم یکسان از اول ماه مه نیست. بمعنای دفاع یکسان از سنت انقلابی اول ماه مه و تبدیل اول ماه مه بعنوان روزگسترش مبارزه و همبستگی و انترناسیونالیسم کارگری از سوی کلیه سندیکاها و فعالین کارگری نیز نیست. بلکه بیش از هر چیز اتفاق نظر بر سر رفع موانع قانونی و تعطیلی رسمی روز کارگر است... بدنه ی چپ کارگری در سندیکاها البته که آماج تبدیل اول ماه مه به روز مبارزاتی و طرح خواستهای واقعی کارگران را همواره دنبال کرده و امسال نیز خواهند کرد اما ما میدانیم سندیکاهای محافظه کاری نیز در ترکیه وجود

دارند که بشدت قانونی و تابع خط ومشی سیاسی احزاب و بویژه احزاب حاکم هستند. این درست است که اینها سازمانهای کارگری هستند و بخشهایی از طبقه کارگر را متشکل کرده اند اما ماهیتا در خدمت سیاست دولتی بوده و از محدودیت ذاتی برخوردارند و در مواردی نیز بارها گرایش ضد چپ و مخالفت شان با "حق تشکل یابی مستقل کارگران" را نشان داده اند وبهین دلیل این اتفاق نظر پیش آمده تنها یک روی سکه است و روی دیگر آن اختلافات و تفاوت ها بین سازمانهای کارگری است که در شرایط حاد مبارزه ی طبقاتی می تواند به شکاف های عمیق تر مابین آنان بر سر مسائل اساسی تر منجر گردد ونه الزاما به اتحاد و ائتلاف بیشتر...

صد البته باید از تعطیل رسمی اول ماه مه و امکان برپایی جشن کارگری دفاع کرد و حتی برسر این خواست اساسی به ائتلاف وسیع گرایشات درون جنبش سندیکایی خوش آمد گفت اما نه تفاوت مابین سندیکاهها با تحقق این خواست از بین می رود و نه پذیرش این خواست از سوی دولت و مجلس ترکیه نشان از یک عقب نشینی جدی دولت در مقابل جنبش کارگری دارد. روشن است دولت اسلامگرای ترکیه هدف اش از تصویب این قانون و در این شرایط تشدید و اعمال کنترل نرم بر پتانسیل جنبش کارگری و تطهیر چهره خود در افکار عمومی بین المللی است. نباید فراموش کنیم که در تمامی سالهای گذشته خشونت دولتی بر علیه اول ماه مه در حالی انجام شده است که ترکیه امضاء پای قراردادهای بین المللی سازمان جهانی کار نیزگذاشته بوده است. در ترکیه بنابر تاریخ این کشور حتی محل برگزاری جشن اول ماه مه که همانا "میدان تقسیم" شهر استانبول است یکی از فاکتور های است که می توان میزان حمایت و پیگیری هر سندیکا در طرح خواست تعطیل رسمی را با آن به سنجش گرفت. علاوه براین می توان با فاکتور دفاع از "حق تشکل مستقل" و همچنین دفاع از "خواست آزادی تجمع"، میزان پیگیری و نوع گرایش سندیکاهای ترکیه را نیز محک زد. چرا که تجمع در میدان تقسیم ترکیه نزدیک به سه دهه برای کارگرانی که خواسته اند در روز اول ماه گردهم آیند، سرود انترناسیونال بخوانند و به سیاست های ضد کارگری دولت اعتراض کنند ممنوع بوده است. این میدان سنبل و یادآور کارگران جانباخته ایست که در اول ماه مه ۱۹۷۷ مورد هجوم مسلحانه شبه نظامیان دست پرورده ی سازمان سیاه قرارگرفتند و بیش از ۳۰ نفر از کارگران در جریان این حمله جان خودشان را از دست داده، صدها نفر زخمی و ۴۵۳ نفر نیزبازداشت شده بودند(۳*). در آئروز ۵۰۰ هزار کارگر در میدان تقسیم تجمع کرده بودند و با شلیک مهاجمان جمعیت وحشت زده و در حال پراکنده شدن مجددا هدف تیراندازی گرم مهاجمان و حتی پلیس قرار گرفتند و در حالیکه پشت این واقعه ماموران سیاه صحنه گردان اصلی بودند روزنامه های رسمی "چپ های افراطی" را مسئول این جنایت معرفی نمودند و طولی نکشید که فرماندهان ارتش نیز در سپتامبر ۱۹۸۰ دست به کودتای نظامی زدند و دیکتاتوری نظامی برقرارگردید و اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی مردود و تجمع کارگری در میدان تقسیم ممنوع گردید و ۲۸ سال بعداز کودتا همچنان ممنوع باقی مانده است. همگان تجربه ی آخرین درگیری و تهاجم پلیس به کارگران را درتظاهرات سال گذشته بیاد داریم که پلیس با همه ی امکانات خود منجمله تانک و گازاشک آور وباتوم به جنگ تظاهر کنندگان رفت و خیابانهای استانبول به صحنه ی مقاومت کارگران دربرابر خشونت سازمانیافته ی دولتی تبدیل شد. بنابراین در حالی که سندیکاهای متمایل به چپ نه تنها خواهان رسمی شدن اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی هستند بلکه تاکید دارند که مراسم در میدان تقسیم برگزار شود اما بر عکس، سندیکاهای نزدیک به دولت معتقدند محل برگزاری

مراسم رانبايد پيش شرط برگزارى جشن اول ماه مه قرارداد و يا با بهانه ي اينكه اگر مراسم در ميدان تقسيم برگزار شود گروههاى چپ و غير قانونى وارد اين مراسم مى شوند تلاش مى کنند کارگران را از برگزارى مراسم در ميدان تقسيم منصرف کنند..

در مورد حق تشکل يابى مستقل و حق آزادانه ي تجمع نيز فى الواقع اکثر سندیکاهاى ترکيه تا کنون دفاعى نکرده و نخواهند کرد در حالیکه از هر دو اين خواست فعالين کارگرى چپ ترکيه دفاع کرده و همچنان نيز دفاع مى کنند و همين ها بيان تفاوت هاى جدى درون جنبش سندیکايى ترکيه نيز هست. با همه ملاحظات فوق در آستانه برگزارى جشن اول ماه مه ۲۰۰۹ در ترکيه ما شاهد سه اتفاق قابل توجه هستيم که مجدد مورد تاکيد قرار مى گيرد..

يکم اينکه، همانطور که يادآورى شد امسال دولت حاکم بر ترکيه، قصد دارد اول ماه مه را بعنوان روز تعطيل رسمى اعلام نمايد و از هم اکنون بررسى لايحه ي قانونى آنرا در دستور قرار داده است..

دوم اينکه امسال سندیکاهاى اروپا در ائتلافى گسترده و با يک کمپين بين المللى قصد دارند برروند برپايى جشن اول ماه در ترکيه نظارت نمايند.*۴.

و سوم اينکه امسال اين حرکت همبسته ي بين المللى بنام يک کارگر زندانى "منصور اسانلو" نام گذارى شده است.. با مرور اين سه مورد در اینجا نيز توضيحاتى ضرورى است ..

در اين حرکت و انتخاب منصور اسانلو آنچه لحاظ شده است اينکه منصور اسانلو شناخته شده ترين چهره يک فعال کارگرى و کارگر زندانى ايران در سطح بين المللى و بويژه در سطح سندیکاهاى ترکيه مى باشد. سندیکاهاى اروپايى منصور اسانلو را بعنوان نماد تشکل هاى کارگرى ايران که تحت سرکوب و پيگردند انتخاب و عکس و نام آنرا بر بالای فراخوان کمپين همبستگى با کارگران ترکيه نشان کرده اند و در اول ماه مه منصور اسانلو و با نام او کارگران تحت سرکوب ايران را در اول ماه مه به ميدان تقسيم مى برند و خواست آزادى او را در ميان کارگران ترکيه و در سطح افکار عمومى مطرح مى کنند. ما مى دانيم که پشت سر منصور اسانلو سندیکايى کارگران شرکت اتوبوس رانى تهران و حومه با همه ي توش و توانش و عموم فعالين سندیکايى قرار دارند و علاوه بر منصور اسانلو تعدادى ديگر از فعالين کارگرى ايران منجمله ابراهيم مددى در زندان محبوس هستند و شايسته بود خواست آزادى بدون قيد و شرط کليه کارگران زندانى بعنوان يک خواست مشروع جنبش کارگرى در اين کمپين بين المللى نيز مطرح شود که نشده است و اين مورد مستقيماً به دست اندرکاران کمپين نيز تذکر داده شده است. اما اين يادآورى بيش از ذکر انتقاد به اين کمپين بين المللى متوجه فعالين کارگرى ايران در داخل و خارج از کشور است. چرا که به نظر نگارنده شايسته تر بود که فعالين کارگرى ايران در داخل و خارج از کشور اين کمپين همبستگى با کارگران ترکيه و پيوند آنرا در اين شرايط با مسائل جنبش کارگرى ايران جدى گرفته و با شرکت خود به هر نحو ممکن و به ابتکار خود معرف مطالبات و خواستهاى کارگران ايران باشند. تجربه ي سال گذشته و شرکت مستقيم فعالين کارگرى از ايران در دادگاه محاکمه فعالين سندیکايى ترکيه يک نمونه ي درخشان بود که تاثيرات مثبت امتداد آن در بين فعالين کارگرى ترکيه همچنان پايدار است. در حقيقت هيچگاه براى شروع همبستگى دير نيست و مى توان و بايد صدای همبستگى کارگران ايران را در اول ماه مه به گوش کارگران ترکيه و جهان رسانيد که اميد چنين باد. طبيعتاً خطاب اين يادآورى آندسته هستند که همبستگى طبقاتى برايشان دو سويه و متقابل و طبقاتى است، از جنبش

کارگری در دیگر کشورها طلبکار نیستند و در عمل خود نیز همبستگی بین المللی متقابل را قادر به سازماندهی هستند. در مورد دوم نیز که خواست برسمیت شناخته شدن اول ماه مه بعنوان تعطیل رسمی است می دانیم سالهاست که از سوی سندیکاهای کارگری ترکیه پیگیری می شود. امسال نیز سندیکاها همچنان بر خواست برپایی آزادانه ی جشن اول ماه تاکید داشتند که این خواست آنان با یک کمپین بین المللی مورد حمایت قرار گرفت. در واقع این دولت ترکیه ناقض حقوق کار بوده است و تصمیم جدید دولت و گردن گذاشتن آن به یک لایحه ی قانونی را نباید هدیه به کارگران ترکیه تلقی نمود..

ابتکار این کمپین بین المللی از سوی سندیکای مواد خوراکی، رستورانها ومیهمان خانه ی آلمان در شهر دورتموند مطرح و بلافاصله مورد حمایت سندیکاها و فعالین کارگری ترکیه نیز قرار گرفت. منجمله دبیرکل سندیکاهای ترکیه نظیر " تُرکیس" و " دیسک" از این ابتکار نظیرسندیکاهایی از اسپانیا و ایتالیا، آمریکا وکانادا و آلمان حمایت نمودند. هدف کمپین جمع آوری ۱۰۰۰۰ نام و امضای اعتراضی به نخست وزیر ترکیه و استاندار استانبول می باشد تا برپایی آزادانه ی جشن اول ماه مه در میدان تقسیم را برسمیت شناسند و قرار است از روز ۳۰ آوریل تا ۲ ماه مه ۲۰۰۹ هیاتی مرکب از ۳۰-۳۵ نفر از فعالین کارگری اروپا به استانبول سفرکنند و بر روند برپایی جشن اول ماه نظارت داشته باشند..

جالب اینکه سفر این هیات نه تنها مورد حمایت سندیکاها در ترکیه قرار گرفته است بلکه انگیزه ی نظارت آنان منشاء یک رایزنی وسیع بین سندیکاهای کارگری در ترکیه حول بر پایی مراسم اول ماه مه در ترکیه نیز شده است و از سوی دیگر نیز در این حرکت بزرگترین سندیکا ی ترکیه نظیر سندیکای خدمات عمومی که سندیکایی چپ گرا محسوب می گردد و سندیکای "ترکیس" که سندیکایی "کمالیست" می باشد و سندیکای " دیسک" که گرایش به سوسیال دمکراسی دارد با سندیکای های بین المللی نظیر "آی ، تی ، اف" و " آی تی یو سی" در هماهنگی قرار گرفته اند. همین حساسیت سندیکاها نشان از اهمیت مسئله ی اول ماه مه در ترکیه دارد..

این رایزنی بخودی خود مطرح نیست بلکه آنچه مهم است بازتاب آن در سطح جامعه، روشن شدن جهت گیریها و دامن زدن به بحث ها حول سیاست های درون جنبش کارگری در یکی از مهمترین روزها در تاریخ جنبش کارگری بین المللی است. روزی که بر اثر برآیند نیروها و برملا شدن تضادها رقم می خورد و می تواند از تمایل عمومی این سندیکاها از " روز کار و تعطیل رسمی دولتی " عبور کند، سد ها را بشکند و نیروی اعتراض کارگری را بمیدان آورد و به سنت انقلابی اول ماه مه باز گردد و شعاع آن جنبش کارگری منطقه و جهان را گامی به پیش برد.. و بالاخره اینکه طی یکی دو ماه قبل با توجه به تبلیغات و مباحث مربوط به انتخابات منطقه و محلی در ترکیه مسئله برپایی جشن اول ماه مه ابتدا درحاشیه و بعد نیز به مجلس ترکیه نیز کشیده شد و نماینده ای از "حزب خلق" که حزب جمهوریخواهان ناسیونالیست محسوب می گردد خواستار تصویب قانون جدیدی برای اعلام اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل رسمی شد. عجیب اینکه این همان حزبی است که در جریان کودتای نظامی ۱۹۸۰ آتش بیار معرکه بود و هنوزحمایت های پنهان و آشکارش از کودتاچیان در اذهان باقی است و حال که درموضع اپوزیسیون قرارگرفته است "مدافع" اول ماه مه شده است. جنبش کارگری باید چنین تضادی در بالایی ها را با فشار از پایین دامن زند... اینکه استفاده ی تبلیغاتی از اول ماه مه برای جلب آراء در انتخابات محلی یا تضادهای درونی رژیم ترکیه و مخالفت

ناسیونالیست ها با دولت اسلامی حاکم منشاء این موضع گیری ها بوده است از اهمیت این موضوع نمی کاهد که خواست برپایی آزادانه ی جشن اول ماه مه بعنوان یک مسئله ی جدی در سطح جامعه ترکیه مطرح شده و باید باز هم بیشتر مطرح شود...

چنین است که اواخر ماه مارس وزیر کار ترکیه نیز اعلام کرد بررسی مسئله ی روز اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی در ترکیه دستور کار دولت قرار می گیرد تا لایحه قانونی آن بررسی شود. نتایج قطعی هنوز اعلام نشده است اما همه شواهد دال بر این است که با این روند دولت کنونی حاکم بر ترکیه ناچار خواهد شد سرانجام مقررات دیکتاتوری نظامی را بعد از ۲۸ سال کنار گذارد و یا اینکه بار دیگر در انظار جهانیان بر ماهیت سرکوبگرانه و ضد کارگريش صحنه گذارد و به جنگ خیابانی با کارگران رود...

ما می دانیم در ترکیه سندیکاهای کارگری ترکیه متاثر از گرایشات متفاوتی هستند، اعم از ناسیونالیست ها تا اسلامی ها و سوسیال دمکراتها تا چپها و سوسیالیست ها و رادیکالها در سطوح مختلف درون سندیکاهای نفوذ دارند. مسئله ی اصلی اما این است که اولاً سنت انقلابی اول ماه مه در سطح جهان و همچنین ترکیه بیش از همه به چپ ها و سوسیالیست ها تعلق دارد و باید آنرا سازمان داد و گرنه خودبخود حادث نمی شود و دوماً امروز در شرایطی که بحران سرمایه داری در ابعاد بین المللی روبه رشد گذاشته است و خواه ناخواه دفاع از محل کار و سطح دستمزد ها را به یک مسئله ی اساسی مبدل کرده است باید که چپ ها و سوسیالیست ها ابتکار عمل را بدست گرفته تا در اول ماه مه امسال به همراه مطالباتی نظیر "حق تشکل مستقل کارگری" و "حق آزادانه ی تجمع" نیز بازتاب گسترده یابد. عبارتی دیگر مطالبه "نان و کار" ملموس ترین مطالبه ی کارگری در ابعاد توده ای ایست و نباید از سوی چپ ها و سوسیالیست ها در مبارزه بر سر آن غفلت شود. چه گرایشات چپ و سوسیالیست تنها در حین اینکه برای دامنه ی نفوذ خود از راه شرکت مستقیم در مبارزات روزمره در بین کارگران میکوشند قادرند با گرایشات دیگر نیز که در لوای سازمانهای کارگری اما در واقع در خدمت سیاست های طبقه حاکم قرار دارند مقابله کنند و ابتکار عمل را خود بدست گیرند...

بی تردید فعالین کارگری که در جنبش کارگری ترکیه برای بسیج و سازماندهی اعتراض طبقه کارگر از پایین، برای تجدید سازماندهی پایه های فعالیت کارگری و مبارزات دفاعی و طبقاتی مبارزه می کنند امسال نیز با پرچم خود به میدان خواهند آمد و از سنت انقلابی اول ماه مه دفاع خواهند کرد! برای همبستگی بین کارگران ایران و ترکیه بکوشیم ...

نادر ساده

۲۹ فروردین ۱۳۸۸

منابع:

- * ۱- آرشیو روزنامه ی یونگه ولت.
 - * ۲- http://www.worldbulletin.net/news_detail.php?id=39802
 - * ۳- <http://www.wsws.org/de/2003/mai2003/trk-m01.shtml>
 - * ۴- http://www.ofros.com/etelayee/afish_hbosalo.pdf
- عکس: قتل عام کارگران ترکیه در اول ماه مه ۱۹۷۷ میدان تقسیم استانبول